

"تغییر سیاست چیست؟" (۱)

ترجمه: محمد باقر صارمی

اقتصادی و آمادگیهایی که مردم با پیش‌بینی این تغییرات به وجود می‌آورند، درک گردد.

ترکیب کل این تجربه - یعنی رفتار اقتصادی در زمانهای تغییر سریع و رفتار در زمانهای عادی تر - پیش‌بینیها و دیدگاههای موثری را در مورد الگوهای سازمان اقتصادی مطرح می‌سازد. یکی از شاخه‌های ادبیات مربوط به تغییر سیاست، بر مطالعه تعدیل‌های بخش خصوصی نسبت به تغییرات مشخص در سیاست دولت متمرکز شده است و تمرکز شاخه دیگر روی تغییرات مشخص در رفتار بخش خصوصی، مانند گشایش یک کارخانه جدید یا کنار گذاشتن یک فرایند تولید می‌باشد. این مقاله واکنشهای بخش خصوصی نسبت به تغییر سیاست دولت را همراه با نگاه مختصری به تغییر در بخش خصوصی بررسی خواهد کرد.

تغییر سیاست توسط دولت

برای آشنایی با ایده تغییر سیاست ابتدا مثالی فرضی مطرح می‌کنیم. فرض کنید طی یک سال انتخابات، دو حزب سیاسی لیبرالها و محافظه‌کاران، درباره لزوم وضع مالیات بر سرمایه برای یکبار (مالیات بر سرمایه‌ای که اکنون وجود دارد)، اختلاف نظر داشته باشند. لیبرالها موافق این مالیات و

رهیافتی جدید برای درک چگونگی رفتار مردم طی یک بحران اقتصادی و چگونگی آماده شدن آنها هنگام پیش‌بینی تغییرات مشخص در سیاست

تغییرات شرایط اقتصادی و سیاستها، برای سیاست‌گذارانی که این تغییرات را اجرا می‌کنند، برای شهروندان عادی و صاحبان کسب و کار که باید با این تغییرات مقابله کنند و برای محققینی که کوشش می‌کنند رفتارها را بعد از تحقق، مدل‌سازی کرده و توضیح دهند، چالشهایی ایجاد می‌کند. البته سیاست‌گذاران و شهروندان عادی تا اندازه‌ای خود را با دوره‌های تغییر تطبیق می‌دهند ولی محققین با وضعیت متفاوتی روبه رو می‌باشند. اطلاعات تاریخی حول و حوش یک دوره اصلاح یا تغییر سیاست کمرآه، "عجیب" به نظر رسیده و کنار گذاشته می‌شود و یا با آنها برخورد سطحی می‌شود و تحلیلها متوجه فعالیت طی "اوقات عادی" و عاری از بحران می‌گردد. این مایه تاسف است زیرا مردم طی دوره‌های بحران و تسخیر سیاست رفتار شگفت‌زده‌ای دارند و روشهای رفتاری خود را آشکار می‌کنند.

اخیراً در موجی از نوشته‌ها تحت عنوان "تغییر سیاست" سعی شده این رفتارها با مطالعه اثرات تغییرات مشخص در سیاست

محافظه کاران مخالف آن باشند.

نظرسنجی افکار عمومی به سرمایه گذاران اطلاعاتی را در مورد دیدگاههای این احزاب و بنابراین در مورد احتمال اینکه مالیات بر سرمایه در آینده وضع شود، ارائه می دهد. هنگامی که نظرسنجی، محافظه کاران را جلوتر نشان می دهد، سرمایه گذاران قیمت سرمایه های موجود را بالا می برند و برعکس هنگامی که لیبرالها پیش می روند، قیمت سرمایه ها پایین می آید. این تغییرات قیمت، که ممکن است کاملاً قابل توجه باشد، تغییرات در جریان درآمدهای فعلی حاصل از سرمایه را منعکس نمی کند، بلکه تغییرات احتمالی عواید آتی، پس از کسر مالیات را نشان می دهد.

مردم طی دوره های بحران و تغییر سیاست رفتار شگفت زده ای دارند و روشهای رفتاری خود را آشکار می کنند

از نظر محققى که کوشش دارد قیمت داراییها را با استفاده از جریان درآمدهای واقعی توضیح دهد، چنین تغییرات قیمتی در سال انتخاباتی مسئله ای را مطرح می کند، زیرا عموماً، قیمت داراییها به خاطر قابلیت تغییر درآمدهای فعلی حاصل از داراییها، بسیار پرنوسان است. در گذشته، محققین، با کنار گذاشتن اطلاعات غیرمعمول و یا با ایجاد متغیری برای ارزیابی این رفتار مسائل مشابه را مورد بررسی قرار می دادند. برای انجام چنین کاری از طریق تغییر

سیاست، باید راجع به اثر تغییر سیاست احتمالی بر افرادی تحقیق کرد که داراییها را قیمت گذاری می کنند و صراحتاً باورهای در حال تغییر، درباره چشم اندازهای درآمد در آینده را، در ارزیابی قیمت داراییها منظور می کنند.

در این مثال، میزان مالیات بر سرمایه پیشنهادی و نتایج نظرسنجیها، به عنوان متغیرهای اساسی برای قیمت گذاری داراییها در نظر گرفته می شود. تغییرات این متغیرها که به تغییرات در قیمت داراییها منتهی می شود، برای آشکار کردن جنبه های ساختاری فرآیند قیمت گذاری کمک خواهد کرد. این رهیافت تغییر سیاست، برای درک بازار داراییها به محققین اجازه می دهد که از دوره هایی از نوسان غیرعادی احتمالی، برای روشن ساختن درک ما از عملکرد عادی بازار استفاده کنند.

ما ذیلاً سه سیاست دولت را که در نوشته های اخیر راجع به تغییر سیاست مورد مطالعه قرار گرفته و تغییرات مشخص در برخی جنبه های سیاست را در بردارد، بررسی می کنیم: (۱) اصلاح سیاست پولی در پایان یک دوران تورم شدید؛ (۲) بحران نرخ ارز که منجر به کاهش ارزش پول می شود؛ (۳) تعیین یک محدوده نوسان نرخ ارز.

این موارد روی نقش مهم بخش خصوصی، در دنبال کردن فرصتهای سودجویانه، هنگام رویارویی با اقدامات سیاسی نامعلوم دولت، تاکید دارد. سودجویی - انگیزه اساسی اکثر اقتصادها - اصل سازمان دهنده در رهیافت تغییر

سیاست است. افرادی که به دقیق‌ترین وجه اقدامات دولت را پیش‌بینی می‌کنند سود خواهند برد و قیمت‌های بازار این پیش‌بینیها را منعکس خواهد کرد.



۱- اصلاح سیاست پولی

ابتدا بررسی می‌کنیم که چگونه روشهای تغییر سیاست می‌تواند برای درک رفتار پولی در ماههای آخر تورم شدید آلمان در اوایل دهه ۱۹۲۰ به کار گرفته شود. طی این دوره، تورم، خارج از کنترل بود و در اکتبر ۱۹۲۳ به بیش از ۵۰۰ درصد در هفته رسید. فیلیپ کاگان (PHILIP CAGAN) در مطالعه خود راجع به تورم شدید کلاسیک تحت عنوان "پویاییهای پولی تورم نجومی"^(۲) چهار ماه پایانی تجربه آلمان را از دوران مورد مطالعه، حذف

کرده است.

این حذف به روشنی این حقیقت را منعکس می‌کند که این ماههای پایانی که با تورم بالا و موجودیهای واقعی نسبتاً بالای پول همراه بوده است با نظریه وی مبنی بر آنکه موجودی واقعی پول^(۳) در واکنش نسبت به شتاب تورم کاهش خواهد یافت، در تضاد می‌باشد. از دست دادن چنین اطلاعاتی مایه مصیبت بود؛ زیرا این ماههای پایانی بودند که بیشترین تغییرات در داده‌های مربوط به شدیدترین نرخهای تورم را برداشتند؛ بنابراین، این ماههای پایانی ممکن است به روشنترین وجهی رفتار اقتصادی را نیز آشکار کنند.

مقاله "کاگان" هنگامی که در سال ۱۹۸۰ پیتر کاربر Peter Carber و نویسنده این مقاله کوشش داشتند برای مطالعه منظم کل تجربه آلمان، ماههای آخر تورم شدید آلمان را در آن بگنجانند، مورد تجدید نظر واقع شد^(۴). در این تغییر سیاست که ما مدل‌سازی کردیم، مقامات پولی آلمان از موضوع افزایش عرضه پول فزّار، در تورم شدید پولی به یک سیاست عرضه پول با قیمت ثابت، تغییر سیاست دادند. درست در ماههای قبل از اصلاحات، مردم آلمان می‌دانستند که تورم به زودی پایان می‌یابد زیرا تورم در حال اضمحلال کشور آنها بود، ولی نمی‌توانستند مطمئن باشند که دقیقاً چه موقع تورم پایان خواهد یافت. با این حال، مردم طی ماههای آخر تورم، تصور می‌کردند که شانس خوبی برای اینکه اوضاع به زودی تثبیت شود وجود دارد و پیش‌بینی‌های آنها در مورد

تورم با امکان انجام اصلاحی برای تثبیت‌سازی همراه بود.

به طور منطقی می‌توان وضعیت مردم آلمان را با سرنشینان یک اتومبیل که با سرعت در حال حرکت است مقایسه کرد، سرنشینان ممکن است هر لحظه منتظر ترمز کردن راننده باشند و اگر آنها سرعت اتومبیل را طی یک فاصله پیش‌بینی کرده باشند، پیش‌بینی آنان با اثرات ترمز کردن مورد انتظار، همراه خواهد شد. مردم آلمان انتظار داشتند ترمزهای تورم به کار افتد. آنها می‌دانستند که اقتصاد آلمان به سادگی نمی‌تواند به حمایت از تورم ادامه دهد و آنها خود را برای یک توقف اضطراری در آخرین ماههای سال ۱۹۲۳ آماده می‌کردند. طبیعتاً این آماده شدن، کمی قبل از خود توقف اضطراری، اتفاق افتاد و این آماده شدن بود که "کاگان" را در مطالعه‌اش دچار چنین دردسر فراوانی کرد.

درستی پیش‌بینی‌های تورم، طی چنین دوره‌هایی، برای برآورد سود قراردادهایی که با شرایط اسمی تنظیم شده‌اند اهمیت قطعی دارد. شخصی که تورم را درست‌تر از دیگران پیش‌بینی کند سود خواهد برد.

بنابراین، طی دوره‌ای که اصلاحات پولی محتمل است، بهترین پیش‌بینی‌های تورم آن است که با امکان اصلاحات پولی همراه باشد.

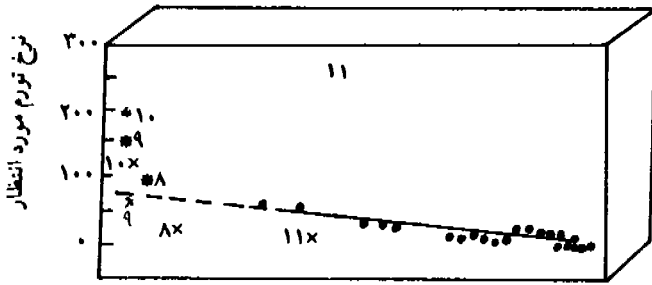
ما برای درک اینکه مردمی که در تورم شدید آلمان زندگی می‌کردند چگونه ممکن بود احتمال اصلاحات پولی را تخمین زده باشند و اینکه چگونه ممکن بود با توجه به این برآوردها در پیش‌بینی‌های مربوط به تورم خود تجدید نظر

کرده باشند، روشی را در نظر گرفته و به اجرا گذاشته‌ایم. نتیجه این کوشش در نمودار ۱ به تصویر کشیده شده است. مدل تورم شدید "کاگان" بر یک رابطه خطی با شیب منفی مبین تورم مورد انتظار و لگاریتم موجودی واقعی پولی، یعنی پول تقسیم شده به سطح قیمت‌ها، مبتنی است. نقطه‌ها در این تصویر نشان دهنده اطلاعاتی است که کاگان واقعاً در مطالعه‌اش استفاده کرده است و خط مستقیم ممتد، مدل کاگان در مورد تقاضای پول می‌باشد.

رهیافت تغییر سیاست، برای درک بازار داراییها به محققین اجازه می‌دهد که از دوره‌هایی از نوسان غیرعادی احتمالی، برای روشن ساختن درک ما از عملکرد عادی بازار استفاده کنند.

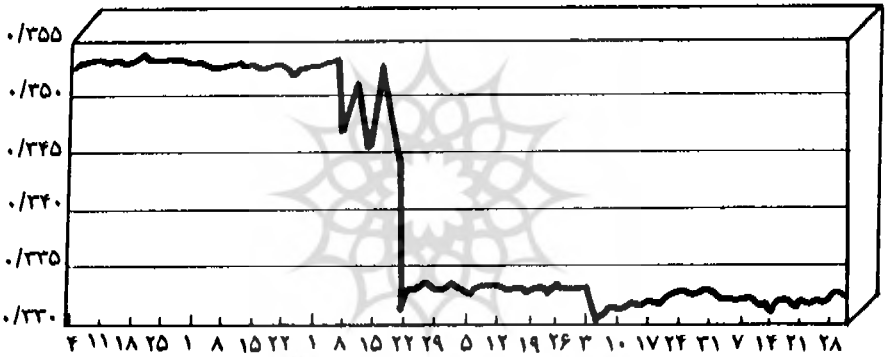
کاگان چهار ماه پایانی تورم شدید (اوت، سپتامبر، اکتبر و نوامبر سال ۱۹۲۳) را که در تصویر به صورت ستاره‌هایی که با عدد ماه مربوطه مشخص شده‌اند، از قلم انداخته بود. نقاطی که در تصویر با علامت (x) تعیین و با یک عدد مربوط به ماه مشخص شده‌اند، نشان دهنده نقاط کاگان هستند که با ملاحظات مربوط به تغییر سیاست مورد تجدید نظر قرار گرفتند. برای انجام این تجدید نظر، ما نظریه‌ای را در این مورد که چه زمانی یک اقتصاد دارای تورم شدید، پول خود را اصلاح خواهد کرد، ارائه دادیم.

اثر تغییر سیاست

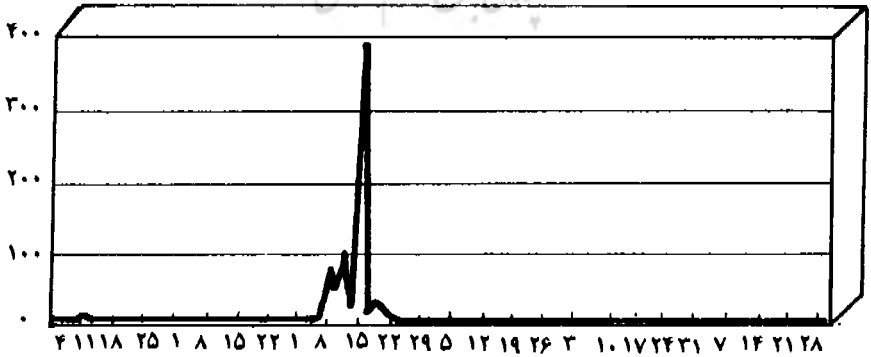


لگاریتم موجودی واقعی پول

توضیح بحران نرخ ارز
کاهش ارزش فرانک فرانسه، ۱۹۸۳



تفاوت نرخ بهره دو دوره آلمان - فرانسه



تجدید نظرهای ما در مورد داده‌های "کاگان"، ارقام تورم مورد انتظار او را که احتمال می‌داد اصلاحی پولی در طول ماه آینده اتفاق افتد تعدیل کرد، تقریباً تمامی نقاط تعدیل شده نزدیک به بخش امتداد یافته خط برازش شده کاگان (خط منقطع در تصویر) قرار دارند. بیشترین تجدید نظر مربوط به نرخ مورد انتظار تورم برای نوامبر سال ۱۹۲۳ است.

قبل از منظور نمودن تغییر سیاست، این نقطه از مدل تقاضای پولی کاگان بسیار دور بود در حالی که بعد از تجدید نظر، این نقطه به خوبی با سایر داده‌ها منطبق است.

در روزهای قبل از کاهش ارزش فرانک فرانسه، که در روز دوشنبه ۲۱ مارس ۱۹۸۳ اتفاق افتاد، نرخهای بهره فرانک به بالاترین سطحی که بندرت دیده شده بود، جهش کرد. نرخ بهره دو روزه فرانک فرانسه برحسب سالیانه، طی هفته قبل از کاهش ارزش به بیش از ۳۵۰ درصد در سال رسید. (به نمودار ۲ مراجعه کنید)

طی دوره‌ای که اصلاحات پولی محتمل است، بهترین پیش‌بینیهای تورم آن است که با امکان اصلاحات پولی همراه باشد

این جهش در نرخهای بهره فرانسه موجب تفاوت عظیم در بهره شد که با یک مدل تغییر سازگاری دارد. کاهش $3/75$ درصدی ارزش فرانک در مقابل مارک آلمان که طی دو روز پایان هفته اتفاق افتاد، دستاوردی ۶۷۵ درصدی به نرخ سالیانه برای اشخاصی داشت که روز جمعه قبل از کاهش ارزش، وامی به فرانک فرانسه گرفته و ظرف پایان هفته آن را به مارک آلمان تبدیل کرده و قرض فرانکی خود را با پول تضعیف شده، می‌پرداختند.

در سال ۱۹۸۳، علائم بازار ارز قویاً یک کاهش ارزش قریب‌الوقوع را نشان می‌داد، زیرا انتظار تغییر نرخ ارز افزایش یافته بود، گرچه هیچ‌کس در بازار دقیقاً نمی‌دانست که فرانک فرانسه کی و چقدر کاهش خواهد یافت.

اگر معامله‌گران ارز، به عنوان مثال، طی پایان هفته معینی، ۵۰ درصد احتمال می‌دادند

۲- یک بحران نرخ ارز

هنگامی که کشوری کوشش دارد نرخ ارز خود را کنترل کند و در همان زمان سیاستهای دیگری را دنبال نماید و یا با شرایط دیگری روبه‌رو باشد که با سیاست اعلام شده نرخ ارز متباین است، این سیاست می‌تواند بحران نرخ ارز را تسریع کند. این وضعیت برای سفته‌بازان منافع بالقوه و تقریباً بدون خطری را به خرج مقامات ارزی ایجاد می‌کند و بخش خصوصی را ملزم می‌سازد که برای به حساب آوردن امکان بروز یک بحران نرخ ارز، در نرخ رسمی قراردادهای خود تجدید نظر کند.

برای روشن شدن موضوع در اینجا کوششهای فرانسه در اوایل دهه ۱۹۸۰ برای تثبیت فرانک فرانسه نسبت به مارک آلمان را بررسی می‌کنیم.



برخورد کردیم. به محض اینکه سیاست واقعاً تغییر می‌کند، مثال دیگر موضوعیتی ندارد. بیشتر مطالعات در مورد تغییر سیاست طی اوایل دهه ۱۹۸۰ به این شیوه مدل‌سازی شدند، زیرا تحلیل تغییرات مکرر، پرزحمت بود. در مورد تغییرات مکرر، مدل‌سازی تنها باید احتمالات اولین تغییر سیاست، بلکه احتمالات کلیه تغییر سیاست‌های آتی را نیز در نظر بگیرد. این موضوع سریعاً به یک کابوس تحلیلی تبدیل می‌شود.

ولی "پل کروگمن" هنگام مطالعه محدوده مورد هدف نرخ ارز به روشی عالی برای مدل‌سازی ساده و روشن در مورد وضعیت تغییرات مکرر سیاست توجه کرده است.

که ارزش فرانک کاهش یابد آن گاه برای پایان هفته روی نرخ بهره‌ای اصرار می‌کردند که حداقل خسارت آنها برای نگهداری فرانک به جای مارک آلمان را جبران کند، در این مثال، احتمال ۵۰ درصدی کاهش ارزش و انتظار $3/75$ درصد کاهش مستلزم آن بود که نرخ بهره کشور همسایه به نرخ سالیانه ۳۲ درصد باشد تا خسارت وام دهندگان فرانک فرانسه در پایان هفته را جبران کند، این رقم به همان اندازه‌ای است که در نرخهای بهره مشاهده شد.

۳- محدوده مورد هدف نرخ ارز (۵)

در مثالهای قبل ما با تغییر سیاست به صورت رخدادی که یکبار روی می‌دهد،

نوآوری تکنیکی او به بیش از صد مقاله تحقیقی منتهی شده که طی چند سال گذشته در موضوع محدوده مورد هدف نرخ ارز نوشته شده است. شاید جای تاسف باشد که این نوآوری "کروگمن" فقط در حوزه اقتصادیات نرخ ارز نشان داده شده زیرا قابلیت کاربرد وسیعی دارد.

هنگامی که کشوری کوشش دارد نرخ ارز خود را کنترل کند و در همان زمان سیاستهای دیگری را دنبال نماید و یا با شرایط دیگری روبه‌رو باشد که با سیاست اعلام شده نرخ ارز متباین است، این سیاست می‌تواند بحران نرخ ارز را تسریع کند

این محدوده نرخ ارز را با حاشیه‌های معینی حفظ کند.

برای مثال در مکانیسم نرخ ارز نظام پولی اروپایی، بیشتر کشورهای عضو این نظام قصدشان را برای حفظ ارزش پولهای خود در محدوده ۲/۲۵ درصد بالاتر یا پایین‌تر از یک برابری مرکزی اعلام کرده‌اند.

در یک نمونه به دست آمده از محدوده مورد هدف نرخ ارز، فرض می‌کنیم که مقامات ارزی در حد تحتانی این محدوده به نفع این پول، و در حد فوقانی این محدوده علیه این پول دخالت می‌کنند. به نظر کروگمن، سفته‌بازان تعهد مقامات ارزی برای دفاع از محدوده مورد هدف در حاشیه‌های بالا و پایین این منطقه را درک می‌کنند. دانستن نقطه شروع و جهت دخالت رسمی در بازار ارز در برخی شرایط فرصتی را برای سودجویی سفته‌بازانی که دارای اطلاعات می‌باشند، فراهم خواهد کرد. ولی در مواردی که همگان از دخالت دولت / اطلاع دارند، در نتیجه صف‌آرایی و پیشنهادهای سفته‌بازان علیه یکدیگر، سودهای آنها با عملی شدن دخالت مورد انتظار در پرمفعت‌ترین قیمت برای مقامات ارزی، از بین می‌رود.

در مثال کروگمن، هنگامی که میزان دخالت در حاشیه‌های این محدوده به طور صحیح پیش‌بینی می‌شود، سودهای سفته‌بازان به طور کامل از بین خواهد رفت. این بدان معنی است

اقتصادیات نرخ ارز در مطالعات دانشگاهی، به خاطر ناتوانی آن در ارائه یک توضیح مستدل در مورد نرخهای ارز در دوران جدید نرخ انعطاف‌پذیر ارز، مایوس‌کننده بوده است؛ بنابراین به هنگام مطالعه مثال کروگمن، تاکید ما بیشتر بر درسهایی است که از رهیافت نسبت به مسئله تغییر سیاست آموخته شده‌اند تا ویژگیهایی کاربرد نرخ ارز.

دولتی که در صدد برقراری یک برابری مرکزی برای ارزش پول خود نسبت به پول یا پولهای دیگر می‌باشد یک محدوده مورد هدف نرخ ارز را قبول می‌کند و متعهد می‌شود که

که در حاشیه‌های محدوده منطقه حائل ارز، دخالت، هیچ‌گونه اثری روی نرخ ارز نخواهد داشت؛ زیرا این عمل مقامات ارزی به وسیله سفته‌بازان خنثی خواهد شد.

ما نتیجه‌ای را که اکنون به "فشار آرام" مشهور شده و برای بازار ارز به کار می‌رود، ارائه کرده‌ایم. درس این مثال آن است که سفته‌بازان فرصتهای سودجویی پیش‌بینی شده و بدون خطر را از دست خواهند داد. در کاربردهای واقع‌بینانه، دخالت دولت کمتر به طور کامل پیش‌بینی می‌شود و سفته‌بازان گاهی اوقات سود برده و گاهی زیان خواهند دید.

برخی اشارات خرد اقتصادی

نوشته‌هایی در راستای آنچه تشریح شد و در آنها از ایده‌های مشابهی استفاده می‌شود، برای تشریح تصمیمات بخش خصوصی شکل گرفته که در برگیرنده تغییراتی مشخص در متغیرهای تحت کنترل بخش خصوصی است. ولی این تصمیمات مانند افتتاح یک کارخانه جدید یا کنار گذاشتن یک فعالیت تولیدی در حدی اندک، به طریقی با روشهای قدیمی مدل‌سازی شده‌اند. به جهت دلایلی که اصلاً در این مدلها روشن نیست، خطوط تولید غیرسودآور بیش از آنچه پیش‌بینی می‌گردد فعال نگه داشته می‌شوند و افتتاح کارخانجات جدید بیش از آنچه انتظار می‌رود دچار تاخیر می‌شود.

مدلهایی که حاوی یک هزینه ثابت برای شروع کار یک کارخانه جدید یا فرایند تولید می‌باشند وضعیت بسیار بهتری داشته‌اند. این مدلها به محققان اجازه می‌دهند سیاست سرمایه‌گذاری بنگاه را با استفاده از ایده‌هایی مشابه آنهایی که برای مدل‌های قیمت‌گذاری براساس حق انتخاب ارائه شده‌اند، توصیف کنند. برای نمونه، بنگاهی را تصور کنید که هزینه ثابت داخل شدن در یک خط تولید را پرداخته است. حتی اگر این خط تولید، در حال حاضر سودآور نباشد، همواره ممکن است که در آینده مجدداً سودآور شود. با ادامه دادن به فعالیت این فرآیند غیرسودآور، بنگاه مزبور شاید در مقیاسی پایینتر، حق انتخاب شروع مجدد فرایند تولید را بعداً در صورتی که شرایط بهبود یابد، حفظ کند.

بدین ترتیب، تصمیم یک بنگاه برای تعطیل یک فرایند یا یک کارخانه مستلزم در نظر داشتن حاشیه قیمت - هزینه فعلی و درک این مطلب است که تعطیل کردن فعالیت به معنی به حساب نیآوردن ارزش حق انتخاب، شروع مجدد فعالیت می‌باشد.

مطلب پایانی

رہیافت تغییر سیاست به عنوان مسؤولیتی دانشگاهی، جهت کمک به محققانی ارائه شده

که داده‌های اقتصادی خرد و کلان را برای درک رفتار ویژه‌ای که بحرانها و سایر رخدادهای مشخص را احاطه کرده است، مطالعه می‌کنند. این رهیافت، بویژه بسیار ارزشمند از کار درآمده است و به اقتصاددانان اجازه می‌دهد که رفتار اقتصادی را در مواقع بحرانی با رفتار در زمانهای عادی ترکیب کنند. این امر ارائه توضیحات مطمئنتری را در مورد رفتار اجازه می‌دهد که ممکن است برای سیاست‌سازانی که

اصلاحات ریشه‌ای را بررسی می‌کنند، قابل استفاده باشد. مطالعات مربوط به تغییر سیاست همچنین ارزش تحلیل‌های دقیق سوابق تاریخی که داده‌ها را احاطه کرده است، به ما یادآور می‌شود، در هر یک از این مثالهایی که ما مشاهده کردیم، تجزیه و تحلیل صحیح مستلزم درک عمیقتر وضعیت، در قیاس با مواردی است که محقق فقط به طور سطحی به این اطلاعات نگاه می‌کند.



زیرنویسها:

۱- این نوشتار ترجمه فارسی مقاله‌ای تحت عنوان "What is 'Policy Switching'?" است که در سپتامبر ۱۹۹۲ در مجله Finance & Development به چاپ رسیده است.

2- hyperinflation

3- real money balances

۴- نگاه کنید به "نظریه اقتصادی اصلاح پولی" از روبرت فلود و پیتز کاربر در مجله اقتصاد سیاسی، جلد ۸۸ شماره ۱، فوریه ۱۹۸۰.

5- an exchange rate target zone